

1 hamkelas.ir

فصل ۲ سال نهم

گزینه صی ← اصول یا محیی انان است که اثر مرکب را دریافت می کند

اثر مرکب را به پیام عمیق تبدیل می کند

بر اساس نوع مرکب که نوع گزینه صی

مناطلی ← گزینه مکرر است		شعبه های ← گزینه حیاتی زبان - اولین آلود
دامی ←		
نوری		
در		

عملکرد گزینه صی ← مرکب به روشها توانا بودن نفوذ پذیر عناصر را به نوع بیان عمل گزینه

را تغییر می دهد

عوامل مانند | انتشار

تفسیر شکل | مواد شیمیایی

تفسیر | تفسیر دما

می تواند نفوذ پذیر عناصر یا اخته گزینه را تغییر دهد

گزینه مشار در پوست ← انتقال در صورت یک فورون صی است

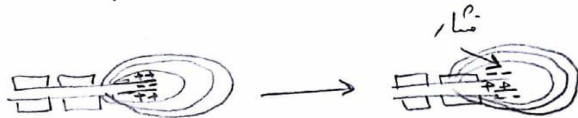
در این تیزین سطح پوست

در این پوشش چند لایه و انقباض پذیر از نوع بافت پیوسته قرار دارد

فشرده شدن این پوشش به رسته در صورت راحتی فشار مکرر داده در آن تغییر شکل می دهد

این تغییر در در صورت ← بیان عمل ایلامی قدر باقال های پوستی عمل گزینه بازی شود

بیان عمل به صورت پیام عمیق به (مستند عمیق) مکرر هر است



سازش گزینه ما ← وقتی گزینه ها مدتی در معرض مرکب ثابتی قرار گیرند

پیام عمیق لغت ایجاد می کنند یا اصلا پیامی ارسال نمی کنند

مزایای سازش ← بریده سازش باعث می شود اطلاعات لغت در بهر سال شود

در نتیجه مغز می تواند اطلاعات مهم تر را در آن نگه دارد

حواس بیره هستند | بگیری به تمام دستپاها بر آورده اند به گیرنده دما  
و غیره به درون عضو از بیخ هستند به مثل گیرنده بینایی در چشم

حواس بگیری در عصبها از نور و الون بدن است پوست  
ماهیچه های انقباضی نزدیک ها  
اطلاعات حس را به دستگاه عصبی مرکزی ارسال می کنند

حس ها بگیری | حس  
دما  
درد

گیرنده دما به استخوان در صورت آزاد  
از درون بافت پیوسته مانند گیرنده فشار

گیرنده حس تماس | گیرنده مکانیکی در پوست و بافتها درگیر هستند  
با احساس  
فشار  
ارتعاش  
به تحریک می شوند

نقود گیرنده ها در عصبها مختلف بزرگی متفاوت است

عصبها با نقود گیرنده بزرگ دارند به نود آکسون | حساس تر به لب ها

در عصبها از درون بدن مانند سیاهرگ بزرگ و پوست جای دارند  
در صورت ها سلولها عصبی حس

در پوست و هیپوتالاموس قرار دارند

به تغییرات دما محیط در پوست و دما خون در هیپوتالاموس حساس اند

گیرنده های دما (درون بدن) به تغییرات دما در بدن  
و گیرنده های دما پوست به تغییرات دمای

سطح بدن حساس هستند | گیرنده فشار  
در نخاع سر و پا یا از راه حس می کنند



گنیزده حسن و صفت | موجب بهبود مغز از طریق قرارگیری عقل خنک است بی جنبه بهم

خنک شدن در حرمت اطلاع باید

در ماهی ها اسلانی  
زردی ها  
کجول پوست تنه مفضل ما  
قراردارند

گنیزده و صفت در ماهی ها - به تفسیر قول ماهیچه صلب است  
مثلا وقتی دست خود را حرکت می دهید در اول ماهیچه تفسیر می کنند

گنیزده در ماهیچه تخریب می شود

گنیزده درد

در پوست و اندامها داخلی مثل دوباره سرخ در بافتن سطح پوست

گنیزده استخوان (تخریب آزادانه) به آسیب بافتی با نخ می دهند

آسیب بافتی در اثر عوامل مکانیکی مثل  
بر زدن  
سما  
تُرغان شود

بعضی موارد شدید این مثل اسید لانس ایجاد می شود

گنیزده درد سازش پیدا می کنند

این پدیده کمک می کند ملامتی که حرکت آسیب برسان وجود دارد خرد از آن اطلاع داشته باشد  
درد کم مازوکا محافظت است

هر چه سلولها بافتی تخریب شوند - در ایجاد می شود - به این ایجاد دانش تمام

مثلا هوکانی دست نشن موجب تخریب بافت پوست در محل تسکین - در نتیجه تفسیر و صفت می دهند  
در عین این صورت پوست در نقاط مختلف تخریب می شود

درد در بنی موفقی - از انتقال پیام درد جلوگیری می کنند  
درد در بیجوشی عمومی که همسایه را طاق می دهند - از درد در مغز جلوگیری می کنند

اسیاسم ماهی ها بی ازعت همان در دست | درد از تخریب گنیزده ها در درازن در وقت ماهی - در وقت ماهی گنیزده می کنند

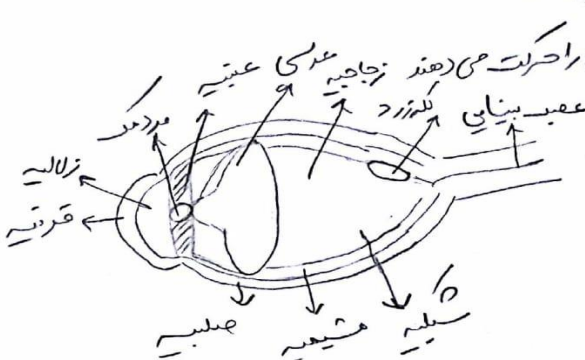
hamkelasi.ir  
 تدریس مواد که از بافتها تحریک شده خارج می شود ← در دست ایجاد می کند  
 بزرگ کردن  
 هیپرمی  
 موجب تحریک لیزنده ها می شود

تحریک برخی لیزنده ها مانع از انتقال پیام عصبی در جبهه می شود  
 به همین علت مالش پوست در تحریک محل «دناک» در تالپا دردناک دارد

اندام ضایعی ← حسن در درازنایم از دست داده  
 یعنی از قشر غش را اطلاعات اندام از دست رفته را بر دانه می کنند  
 تا حدود درازنایم را در برابر اطلاعات دریافت می کنند و این پیامها به عنوان پیام اندام از دست رفته تلقی می شود

حواس ویژه  
 لیزنده ها حواس ویژه در اندامها درون درازنایم قرار دارند  
 حسن بینایی  
 حس شنوایی  
 تقابل  
 بوایی  
 چشایی

بینایی ← بیشتر اطلاعات عمیقاً پیرامون اندام درین وب بگگ حسن بینایی یعنی چشم دریافت می کنند  
 کره چشم در صفره استخوانی کامه چشم قرار دارد



ماهیچه های که به کره چشم متصل اند آن را حرکت می دهند زجاجیه  
 محافظت از چشم  
 مژه ها  
 بافت صلب  
 لایه کره چشم  
 استخوان چشم

ساختار کره چشم  
 خارجی ترین لایه کره چشم  
 شبکیه مشیمیه  
 شبکیه  
 لایه درونی شبکیه  
 توانایی تولید ATP دارند  
 اولین همپوشانی امواج نور  
 قرنیه ← برده شده قرنیه

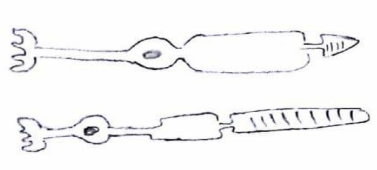
لایه میان چشم | شیبیه ← لایه از ژلراند دار و پریرت  
 جیم مژگانی ← حلقه ای بین شیبیه و عنبیه ← شامل ماهیچه ها و مژگانی  
 عنبیه ← عنبش زلین چشم در سیت قرنیه  
 در رسف آن سواخ مردک است

ماهیچه ها همان عنبیه ← مردمک راتف ← در نور زیاد ← اعصاب پاراسیمپاتیک  
 مردمک راتف ← در نور کم ← اعصاب سیمپاتیک

عدسی چشم | هکلرا  
 انقباض بزرگ  
 بارسته های بی چشم مژگان منقل است  
 اشپای دور ← قطر عدسی کم  
 اشپای نزدیک ← قطر عدسی زیاد  
 زرفیفه حکم زکرون نور چشم عدسی - قرنیه

زلالیه ← فضای جلوی عدسی چشم شفات  
 قفار سیت و جلوی عنبیه را پر می کند  
 از مورب ها ترشح می شود  
 مواد غذایی و اکسیژن را بیرون عدسی و قرنیه فراهم می کند  
 مواد دفعی آنها را جمع آورده می کند و بیرون می دهد

شلبیه | داخلی ترین لایه چشم نازک ترین لایه چشم  
 گیرنده ها نور یعنی سلولها | مخروطی  
 استوانه



سلولها عصبی  
 اسکون سلولها عصبی ← عصب بینایی را تشکیل می دهند  
 پیام بینایی را به مغز می برد  
 محل خروج عصب بینایی از شلبیه

بیماری آب سیاه | مانع زلالیه به طور مرتب تولید می شود  
 به طور معمول از منافذ کوچک در عنبیه خارج می شود  
 اگر به علتی مسیر تخلیه این مانع مدود شود ← فشار مانع داخلی چشم افزایش می یابد  
 افزایش فشار داخل چشم به تحلیل عصب بینایی و کاهش بینایی منجر می شود

عقل ۲ سال یا زدهم | این نورها نور اعتراف می‌کنند ← به علت اختتام آن عوارض می‌شوند

این نورها از سوراخ مردمک عبور می‌کنند  
زلالیه  
عدسی  
زجاجیه

عدسی پر توها نور را روی شبلیه و لینه‌ها نوری آن متمرکز می‌کند

سلولهاستوانها در نور کم مخری می‌شوند  
سلولها مخری در نور زیاد

لینه‌ها مخری تکثیر زنده و جنینات جیم را امان بزرگ می‌کند

جنینی از شبلیه که در امتداد محور نوری که چشم قرار دارد ← در امتداد محور نوری که چشم قرار دارد  
در وقت جنینی اهمیت دارد

باید خورد نور به شبلیه ماده حساس به نور در لینه‌ها نوری تجزیه شده  
زیرا لینه‌ها مخری در آن قرار دارند

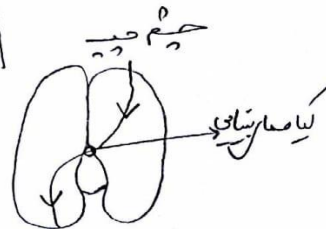
والتهن هاین را براه می‌انند که بیایید پیام عصبی مخری شود

اوتامین A ← برای ساخت ماده حساس به نور لازم است

سیر عصب بینایی ← پیام بینایی قبل از رسیدن به قشر مخ از عصبها در شبلیه نقل می‌کند

کیامعای بینایی ← بخشی است که جنینی از اکسون‌ها عصب بینایی

یک چشم به تکرار مخ مقابل می‌روند



لب بینایی

تکاین ۸ | با تغییر هکتر این عدسی چشم ← می‌توان اجسام دور نزدیک را واضح دید  
در صورت تقویر  
جسی شبلیه ایلامی شود  
تکاین ۸ در صورت تقویر  
تکاین ۸ در صورت تقویر  
تکاین ۸ در صورت تقویر

زرد چشم ← زردانه ها عنبیه ← حاد ملانین  
 توزیع و تراکم این دانه ها ← زرد چشم را تعیین می کند  
 زرد عنبیه آبی روشن تا قهوه ای تیره

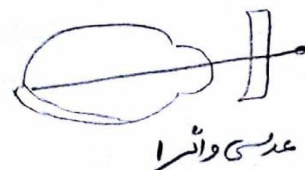
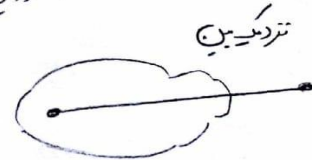
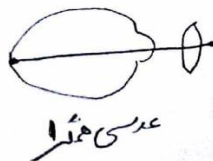
لبه زردانه در شبلیه  
 شبلیه بیگانه زردانه از دار زردانه سیاه ملانین  
 زرد سیاه مانع بازتاب نور درون کره چشم می شود  
 بزرگ جلودگی از بازتاب نور و دید واضح لازم است  
 افراد زغال ← به طور سنتی فاقد این زردانه هستند

بزرگها درون کره چشم این افراد در حبه ها لوانالون بازتاب می دهند  
 در نتیجه این افراد دید واضحی ندارند

بسیارها چشم ← برای دیدن دست اجسام  
 قرصینه  
 عدسی  
 کره چشم  
 بادی شش و مژه از دست باسند  
 تا بزرگها نور به طور دقیق در شبلیه متمرکز شوند

تندک بینی ← کره چشم بیرون از اندازه بزرگ است  
 بزرگها نور اجسام دور در جلودگی متمرکز می شوند  
 در نتیجه فرد اجسام دور را واضح تر بیند

دور بینی ← کره چشم کوچک تر از اندازه طبیعی است  
 بزرگها نور اجسام نزدیک در دست مبدع متمرکز می شوند  
 در نتیجه فرد این اجسام را واضح تر بیند



**گروه آموزشی عصر**  
 ASR\_Group@outlook.com  
 @ASRschool2

مقن سال یازدهم  
 اگر استیلو اتیم | اگر سطح عدسی با نرسیده کاملاً گردی به افت نباشد - بر توها نقره به طور نامعظم به هم می‌زنند  
 در این نقطه شبیه می‌توانی شوند  
 عدسی استیلو اتیم شود در عدم انحراف اختلال قرنیه یا عدسی را اصلاح می‌کنند

بزرگ جیبی | ارتفاع تیریس عدسی کاهش پیدا می‌کند - **سفت شدن عدسی**  
 تطابق دشواری شود  
 با عبور نور از ملاحظه شود

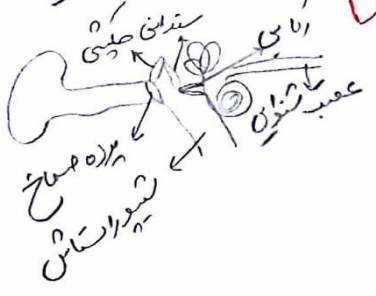
عدسی خماسی - بر اثر اصلاح دید متداول شده است

عدسی بی‌قرنیه در جیب  
 زیرا گامی تا نزدیک است - فقار این عدسی در چشم را می‌بیند لکن از جیب خود حکم نمی‌گیرد  
 زوایای شکل غیر طبیعی قرنیه عامل اختلال در عملکرد این عدسی است از عدسی نازک و دراز

در افراد من در عدسی زردانه‌ها منقوه انجم می‌یابند  
 شفافیت را کاهش می‌دهند

در این حالات عدسی کدر شده آب مروارید به وجود می‌آید  
 زیاد تر از قرن در بر توها من اینفس خود سوسه می‌گیرد آب مروارید

MS - تحریک غلات ملین نورون‌ها در این لایه  
 ششایی - ساختار لوز  
 بیرونی  
 میانی  
 درونی



جنس بیرونی لوز | لوز لوز  
 مجرای آن

لوز لوز | امواج صوتی را جمع آوری می‌کند  
 مجرای ششویات آن را به عین ملین منتقل می‌کند

موادی که غده‌های درونجا ترشح می‌کند



لوس را حقیقت می کند

انقباض مجاری  
مخین میان  
مخین درون

برده سماخ | انقباض مجاری ششوی  
ارتعاش برده سماخ باعث حرکت مایع درون حذرون لوس  
باعث ایجاد پیام عصبی ششوی می شود

بین لوس بیرون و لوس میان  
پیام عصبی بین از تقویت درنالا میز به  
لب لیجیاهی فرستاده می شوند

لوس میان | حقیقت انقباض  
براز هواست  
در انسان ۲ استخوان در لوس میان وجود دارد

در لوس میان و سینه برده سماخ ۳ استخوان کوچک  
حیسی  
استخوان  
انابین  
که به هم متصل می شوند

شیر استخوان ← صلب را به لوس میان می رساند

هوا از راه این مجرا به لوس میان منتقل می شود  
اتفاقی که هوا از طرف برده سماخ میان کند تا برده به درستی بلرزد

لوس درون | مخین حذرون

ارتعاشات صوتی از مجاری ششوی در لوس درون منتقل می شود  
تبدیل صدا به پیام عصبی ← امواج صوتی بین از عبور از مجاری ششوی

در لوس میان برده سماخ بیخود می کشد  
آن را می لرزاند

دسته استخوان حیسی را می برده سماخ چسبیده و بالرزنی آن را لرزاند

سین استخوانها ستان و رابین را می لرزاند  
لف استخوانی رابین زدن در عصب ای پیام در عصبی آزار فرستد که در عصب را می لرزاند

شکست در عصب بیضی مخین حذرون ترا اثر فرستد  
در این عصب حذرون مایعی وجود دارد ← بالرزنی در عصب بیضی

در عصب حذرون سولها مثل کدو قرمز دارند که مثل کدو میماند با پوستش  
این سولها کدو قرمزها را می لرزاند و پیام عصبی را می لرزاند

پیام عصبی را عصب ششوی  
به مقصد می برد

سیویاتان

به طور طبیعی می تواند بازوی بسته بشود

با عبور دادن هوا، فشار هوا در دو طرف پرده سمناخ متعادل می کند

اگر این فشار متعادل نشود، فشار زیاد هوا در این طرف پرده سمناخ را به طرف داخل فشار داده

اسب ترنقش گوش می شود

در این حالت جداها را به وضوح نمی شنویم

اسب در این حالت گوش

تاشوایی

عصب گوش

ساختارهای هدایت کننده جدا به بخش حلقه های مانند استخوان گوش بیان می

گامت در فرزند از بیرونی است

میکروفون دستگاه امواج صوتی را جمع می کند و آن را در حفره گوش می فرستد

پیام شنوایی مستقیماً به دستگاه عصبی فرستاده می شود

عصب شنوایی با این تراز عصب تقارلی قرار گرفته است

عین دهنده گوش داخلی ۲ حلقه

حفظ تقادل

۳ مجاری نیم دایره ای در گوش عمود بر هم

در این ساختار قرار گرفته اند

حرکت سر در جهت هار تونائون این سلولها را تغییر می دهند، با تغییر موقعیت سر تغییر می شود

در این مجاری نیم دایره ای مایعی پر شده است و مرکزهای سوزان کننده در این مایع قرار دارند

با چرخش سر مایع در این مجاری به حرکت در می آید و ماده الاستیکی را به یک طرف خم می کند

مرکزهای سوزان کننده نیز خم و این تغییرها را می شنود، به سلولهای عصبی پیام عمومی می فرستد

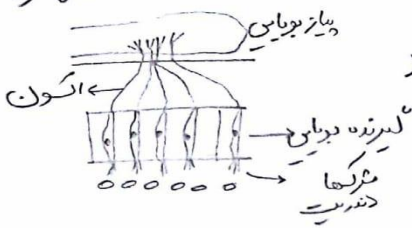
اکنون یاخته های عصبی حس که ساخته دهنده عصب شنوایی را شن می دهند، پیام را به مغز می فرستد

بزرگ حلقه تقادل بدن معتز باید از تغییر در گوش داشته گیرند و وضعیت پیام دریافت کنند

پیام عصبی را به تغییر می فرستد

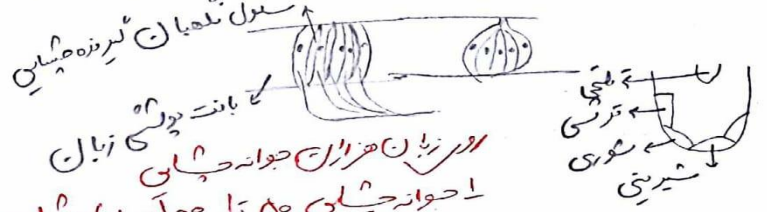
فصل ۲ سال یازدهم

**لبویایی**  
 لبریزه لبویایی در باطن حفره بینی قرار دارد  
 سلولهای عصبی که در انتهای همان به شکل مُرک‌هایی در سطح مخاط لبویایی قرار دارد  
 مولکولهای بو در هوای تنفسی در مخاط حل میشوند - این سلولها را تحریک می‌کنند  
 اکنون این یاخته‌ها پیام‌ها را به لبویایی در مغز می‌فرستند - سپس به قشر مغز ارسال می‌شود



**چشایی**  
 در دهان و در جبهه‌های زبان جانوران چشایی وجود دارد  
 درون جانوران لبریزه‌ها چشایی قرار گرفته‌اند  
 ذره‌های غذا در بزاق حل می‌شوند و از راه منفذ جانور به یاخته‌های لبریزه چشایی می‌رسند

یاخته‌های لبریزه با یاخته‌های عصبی همبسته‌ای که پیام‌های چشایی را به مغز می‌فرستند - سیناپس دارند  
 لبریزه مولکولهای غذا **نوعی پروتئین هستند**



- به مزه اصلی
- شیرینی
  - سوری
  - ترشی
  - تلخی

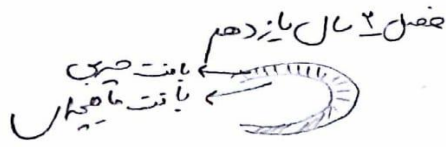
انسان ۵ تا ۱۰۰ سلول چشایی  
 جانور چشایی ۵ تا ۱۰۰ سلول چشایی

انسانی - لذت - مزه غالب غذاها در انسان می‌باشد  
 در دگ - درست مزه غذا تا شیر دارد

**حس بویایی**  
 وقتی سوراخ‌خورده و دچار گرفتگی بینی شده - مزه غذاها را به درستی تشخیص نمی‌دهیم  
 وقتی سوراخ‌خورده و دچار گرفتگی بینی شده - مزه غذاها را به درستی تشخیص نمی‌دهیم

فعالیت تشویش چشم : تشخیص با باور این چشم - فاصله عصب بینایی تا قرنیه از نظر بلندی  
 تشخیص چشایی و بوی چشم - سطح باغی رویه با باغی

در این حالت قرنیه به شکل تخم مرغ است  
 بخش پهن تر آن به سمت بینی  
 بخش باریک‌تر به سمت گوش  
 عصب بینایی در مجرای چشم به سمت خلف چشم - در نتیجه...



بابت صبرین بین ماهیه و کوه چشم

ماهیه از کوه چشم جدا شود

مصلیه در تمامه ۱cm از قرینه سوراخ شود به باقیه دور تا دور قرینه برش زده شود

عدسی در کنار آن جسم مژگان مثل ماهیه ها و تا چهار اونزیه در عدسی راه افتاده اند

زلالیه به قدر کمال شفافیت مقدار از دانشها سیاه ممانین از عینش هار در کوه چشم در آن جا آمده ام

جسم مژگان بی صورت دایره ای محفوظ در محل استقرار عدسی قرار دارد - داخل آن عنبیه

ماهیه متعلقه  
ماهیه شغالی

ماهیه اصناف طغوس به تنگ کننده مردمک  
اشغالی به گشاد کننده مردمک

سوراخ و عنبیه همان مردمک است

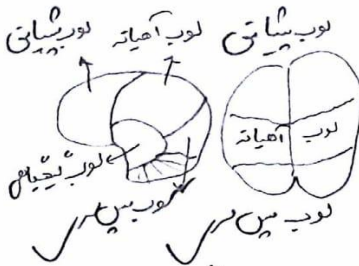
جسم مژگان و عنبیه با هم به یک حال چشم در جلو مقل اند به مثل یک حلقه به آسانی جدا می شود

بین آن قرینه در جلو بی صورت شفت و برآمده دیده می شود

پرزایش افلاکات صسی ماهیه پیام عصبی که از گریزه هار تو نالون بدن به دستاه عصبی مژگان می روند  
نسیان است

پیام هار حسی گریزه هار هر عین بدن به عینش در نگاه در مغز معنی می شوند

هر عین به طور ویژه از یک صسی پیام دریافت می کند



لوب بین سراسر سیانی  
کلیه های مژگان  
آهیاة  
بینان - بویایی

هر شکره منحرفه به عین تقسیم می کند

پیام های بینایی قبل از رسیدن به قشر مغز از عینها در چشم از مغز ماده سفید (تامپوس) می گذرند  
چشمی در کنار عین اصلی است که عین از آن کوه نهدی عصب بینایی به چشم به چشم که منحرفه می شود  
پیام های بینایی سرانجام به لوب بین سراسر مغز وارد و در آنجا پردازش می شود  
گریزه صسی جانوران: گریزه هار صسی در انسان می توانند به حرکت هار تو نالون محدود باشند

حرکتهایی مانند  
قرینش  
انسان به کمک دستها هار ویژه می تواند  
منورسرخ  
در خود جانوران در سراسر بدن حرکت داشته باشد

فصل ۲ سال یازدهم

گنبرده‌ها نوری در چشم‌های

چشم‌های در حشرات

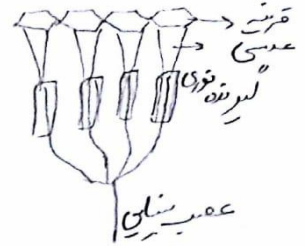
از مقدار زیاد واحد بینایی تشکیل شده است

هر واحد بینایی | عدسی

گنبرده نور دارد

هر یک از این واحدها تقویر کوچکی ایجاد می‌کنند

دستگاه عصبی جانوران این اطلاعات را بلیه‌ها و تقویر واقع‌ای ایجاد می‌کنند  
تقویر ایجاد شده موزائیکی است



هر واحد عصبی در گنبرده اما تعداد گنبرده‌ها نور بیشتر از این است

همه ماهیها خط جانبی دارند

گنبرده ملاحظاتی در خط جانبی

در آب مسافت بزرگ‌هاهی ساختار به نام خط جانبی وجود دارد ساختار با بوی

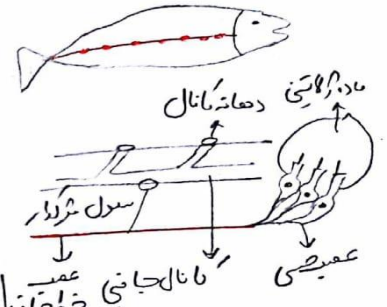
این ساختار کانالی زیر پوست جانور که از راه سوراخ‌هایی با محیط بیرون ارتباط دارد

درون کانال سلولهای مژگانی از نوع گنبرده‌ها مناسبتی قرار دارند به ارتعاش آب حساس‌اند

مژگانی این سلولها با ماده مژگانی در تماس‌اند

حیران آب در کانال ماده مژگانی را به صورت درمی‌آورد

سلولهای گنبرده را تحریک می‌کنند ماهی به کمک خط جانبی از حرکات اجسام در حیاتوان دور



شماره ۲ در سوراخ‌ها خود آب می‌شود

در گنبرده‌ها شیبایی که منزه‌ها را تشخیص می‌دهند

در موها صسی روی یاها جانور قرار دارد

جانور پیش از خروج یک ماده متلب بودن آن را به کمک این گنبرده‌ها تشخیص می‌دهد

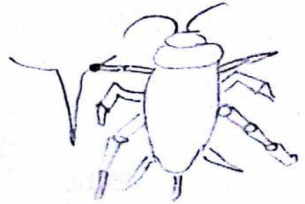


روی پای صلیبی صبر صبر یک - این محققه هوا وجود دارد

آنها برده سماخ در آن گنبرده شده

لرزش برده در اثر امواج صوتی - گنبرده‌ها مناسبتی منقل بر برده برای لرزاند

گنبرده مناسبتی صدای

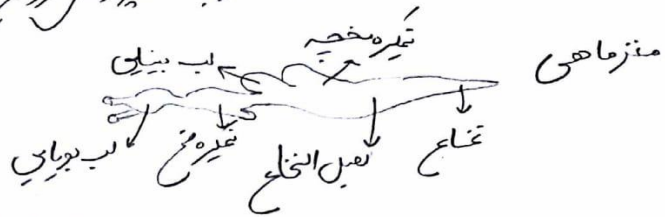


### گیرنده پرتوها فراتش و فرسوخ

بعضی حشرات می‌توانند پرتوهای فرابنفش را تشخیص دهند  
 زیرا چشم آنها بر این پرتوها گیرنده دارد  
 برخی ماهی‌ها می‌توانند پرتوهای فرسوخ را تشخیص دهند  
 ماژزنی در جیون لسه و در زیر هر چشم سوراخی دارد که گیرنده‌ها  
 بر موقعا فرسوخ در آن قرار دارند



به این ترتیب ماژزنی پرتوهای فرسوخ تا بده از بدن ماژزنی دریافت و محل آن را تشخیص می‌دهد



تفاوت زنبورعل و ماژزنی | زنبورعل ← دستگاه گردش خون باز دارد ← هولنت دارد  
 ماژزنی ← دستگاه گردش خون بسته ← هولنت ندارد  
 زنبورعل بسیار از خزندگان و ماهی‌ها ضعیف‌تر است ماژزنی ← اسید ادریک (توجه کنید)

لب بویایی غده‌ای از دستگاه لیبیب در حافظه یادگیر اصانات رضایت  
 پیام بویایی از لوب بویایی وارد سایر قسمتها در دستگاه لیبیب است  
 ماژزنی توانایی درک امواج فرسوخ دارد

زنبورعل جزء بندپایان است ← جسم مرکب

عنکبوت جزء بندپایان ← جسم مرکب ندارد

جمع بند در فصل ۲ سال ۱۰ دهم

نوع آبریزه صی ← ممانتی - سیمی - دمای - نوری - درد

عمرک ← به روشها مختلف نفوذپذیر در عناصر به یوتها تغییر می دهد  
تغییر شکل - مواد سیمی - دما

حواس آبریزه صند | پیتری ← عانس - وضعیت - دما - درد  
ویژه ← بیانی - شنوایی - تعادل - بویایی - چشایی

ص عانس ← آبریزه ممانتی در پوست و بافتها زیر ← لس - فشار - ارتعاش

آبریزه دما ← در پوست - هیپوتالاموس

ص وضعیت ← در ماهیچه اسکلتی - زردی - کیول پرمانته مصل ما

آبریزه درد ← در پوست و اندامها داخلی مثل دوباره رخورد  
انتقای آبریزه آزاد  
سازش ندارد

بیانی ← چشمها مختلف چشم قرنیه ← زلالیه ← مردمک عنبیه ← عدسی - زجاجیه - لاله زرد عصب

۳ لایه | مصلبه ← قرنیه  
عنبیه ← عنبیه - عدسی

بیماریها چشم | نزدیک بینی ← کره چشم بین از اندازه بزرگ بقوی اجسام دور جلوتر مایل با عدسی و اثر اصلاح همود  
تندک بینی ← کره چشم کوچک بقوی اجسام نزدیک سیت شبلیه با عدسی عمرا اصلاح همود

درستی ← کره چشم کوچک بقوی اجسام نزدیک سیت شبلیه با عدسی عمرا اصلاح همود  
استیلاتیم ← عدسی و قرنیه سطح انزواقت ندارد  
بیرونی ← انعقاد پذیر عدسی کاهش لایه

آب مردار ← کدر شدن عدسی

شنوایی ← بیرونی ← لاله گوش - حجا  
بیانی ← استخوان چینی - زندانی سر لای  
دانی ← بخش هلزونی د مجاری شنوایی

بخش هلزونی ← سلولهای شنوایی با سینه ارتعاش در حیرت بیستی

بخش هلزونی ← تعادل ← سلولها همان شنوایی درون باغی را گایتی  
همچون شنوایی در این پرونده است





بویایی ← آبریزه بویایی (بالا و قرون) | شکرکامی سلولها آبریزه چشم و آبریزه شکرکامی سلولها عصبی در بعضی موارد  
آبریزه عصبی در صورت درون مخاط بویایی

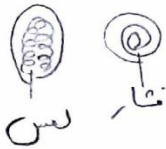
جموع بنجر فصل ۱۲ سال با زدهم hamkelasi - ir  
عیایی - در دمان در بر حسب بلوغ زبان عجمانه عیایی - کیرنده عیایی

پردازشی اقلیات صی - بیام عیایی از کیرنده حار لونا لونا برین به عیایی در پاره در مغز است  
هرت کیره عیایی - لوب بیایی - لوب آهیا نه - لوب کیرجیایی - لوب بیایی در

کیرنده صی در زبان | کیرنده مغز استنش و ضرور رخ - چشم مار  
کیرنده چشم یک در صورت و ضرور بیجا  
کیرنده ماشی در حفظ جانبی ماهی - حرارت اجسام و جانوران است و در بدن  
کیرنده شیبایی در ریای ملس - تکلیف خزه  
کیرنده ماشی در زبان و در صبر

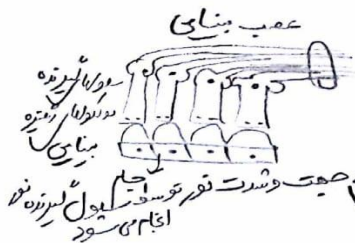
عکسهای عیایی - بو - صدا - زب - مزه

در حرکت عیایی - پس با نری بر انتهای تقاطع دهان بیین  
کیرنده دما - پوست    - هیوتاگاموس  
کیرنده درد - آتیب بر یافتا 



کیرنده ماشی - حرارت فلر کش ایقاس - پوست و لوس  
کیرنده نور - چشم  
کیرنده شیبایی - زبان و بینی

پوست - کیرنده درد - دما - ماشی  
کیرنده - در صورت یک یا صفر نورون در اثر محرک را بی بیام عیایی تبدیل نکند  
کیرنده ماشی - در تمام خون حساس  
ماهیما اسالی - کیرنده کش



احکامه جانوران کیرنده در داره

کیرنده لیس - در در سبیل کیر

کیرنده شیبایی - شاکت پروانه اشرف

کیرنده نور در ملانا یا - چشم جامی کش - ساقه قوی کیرنده نور

پرتوای ساری - حقلس - دلفین - وال

ادراج مار در صورت  
تشنه درون اشرف

تشنه درون اشرف